

بررسی تطبیقی مصداق «اهل بیت» در آیه تطهیر از منظر مفسران اهل سنت و تشیع با تکیه بر روایات*

□ محمد شریفی**

□ علی محمد خراسانی***

چکیده

یکی از بزنگاه‌های مهم و مورد اختلاف بین اهل سنت و تشیع، تعیین مصداق اهل بیت (علیهم‌السلام) در آیه تطهیر می‌باشد. با توجه به نقش اساسی این فراز از آیه ۳۳ سوره احزاب، در حوزه اعتقادی آنها، پژوهشگر با واکاوی مفاهیم به کار رفته در آیه و ارتباط لفظی و سیاقی میان آن‌ها و همچنین بیان دیدگاه مفسران اهل سنت و شیعه، مفهوم اصلی و واقعی اهل بیت (علیهم‌السلام) در آیه تطهیر را شناسایی می‌کند. از میان مفسران اهل سنت، برخی از آنها مصداق اهل بیت را فقط در بستگان سببی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) یعنی زنان پیامبر (علیهم‌السلام) معنا کرده‌اند و برخی دیگر مصداق آن را علاوه بر زنان، پنج تن آل عبا؛ پیامبر اسلام، علی، فاطمه، حسن و حسین می‌دانند. اما مفسران شیعه و برخی از مفسران اهل سنت قائل هستند که مراد از اهل بیت فقط پنج تن آل عبا هستند و لاغیر. با بررسی انجام گرفته، دلایل مفسران فریقین را می‌توان در سه محور روایی، ادبی و سیاقی تقسیم کرد. آنها با استناد به روایات از ام‌سلمه، عایشه و عکرمه و نیز بررسی مفهوم اهل بیت و ضماین به کار رفته در آیات ۲۸ تا ۳۴ سوره احزاب و همچنین وحدت و عدم وحدت سیاق آیه تطهیر با آیات قبل و بعد، اقوال خود را پایه‌ریزی کرده‌اند. سؤال اصلی در این پژوهش این است که مراد و مقصود واقعی از اهل بیت در آیه تطهیر چی کسانی هستند؟

کلیدواژه‌ها: آیه تطهیر، اهل بیت، مصداق، عصمت، آل عبا.

*. تاریخ وصول: ۱۴۰۳/۶/۲۰ تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۱۱/۳۰.

** فارغ‌التحصیل سطح چهار جامعة المصطفی (ع) العالمية (نویسنده مسئول) (mohammadsharifii2019@gmail.com).

*** طلبه سطح سه حوزه علمیه قم (alimohamad_khrasanifegh_123471).

مقدمه

یکی از مباحث مهم و مورد اختلاف بین اهل سنت و تشیع، تعیین مصداق "اهل بیت" در آیه ۳۳ سوره احزاب می باشد. از آنجا که این فراز از آیه نقش محوری در تبیین و اثبات مباحث کلیدی و معرفتی در حوزه اعتقادات شیعی یعنی «عصمت» اهل بیت علیهم السلام دارد، ضرورت می طلبد واژه اهل بیت را از زوایای گوناگون مورد بررسی قرار دهیم تا مصداقی که عصمت شامل حال آنها می شود را بشناسیم و شعاع گستره معصومین علیهم السلام را در افراد خاصی بجویم. هرچند این واژه در قرآن و روایات خصوصا احادیث نبوی با توجه به موضوعات گوناگون برای مصداق مختلفی به کار رفته است و همین امر باعث شد تا مفسران فریقین را در معنای واقعی آن در آیه تطهیر دچار مشکل کند. مفسران در تعیین مصداق اهل بیت به چند دسته تقسیم می شوند. برخی مصداق آن را فقط در بستگان سببی پیامبر یعنی زنان پیامبر معنا کرده اند و برخی دیگر مصداق آن را علاوه بر زنان پیامبر، پنج تن آل عبا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله علی، فاطمه، حسن و حسین می دانند و برخی دیگر می گویند: که منظور از اهل بیت، بنی هاشم آل علی، آل عباس، آل عقیل و آل جعفر هستند. در این میان برخی از مفسران می گویند: مراد از اهل بیت فقط پنج تن آل عبا یعنی پیامبر اسلام، علی، فاطمه، حسن و حسین هستند و لا غیر. از این رو پژوهشگر بر آن است تا با واکاوی مفاهیم به کار رفته در آیه و ارتباط لفظی و سیاقی میان آنها و همچنین بیان دیدگاه مفسران اهل سنت و شیعه، مفهوم اصلی و واقعی اهل بیت در آیه تطهیر را شناسایی و بیان کند.

۱. دیدگاه مفسران اهل سنت و أدله آنان

مفسران اهل سنت در مورد مصداق اهل بیت در آیه تطهیر بر قول واحدی اتفاق ندارند و در این باره بیش از پنج قول و نظر وجود دارد که ما در اینجا تنها به دو قول مهم آنان می پردازیم.

۱. اهل بیت به معنای زنان پیامبر و اهل کسا

عده‌ای بیشتر از مفسران اهل سنت مصداق اهل بیت در آیه تطهیر را، بیت شریف پیامبر که محل نزول وحی است می‌دانند. در این صورت اهل بیت شامل زنان پیامبر، فرزندان آن حضرت و علی به خاطر نسبت ایشان به حضرت صدیقه طاهره مصداق اهل بیت است. در همین راستا مفسران اهل سنت مباحث متعددی را طرح نموده‌اند. فخر رازی بدون اشاره به اقوال وارده در این آیه، مهم‌ترین قول در مورد مصداق اهل بیت را زنان پیامبر و خمره طیبه عنوان می‌کند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۶۸/۲۵). ابن عطیه صاحب تفسیر المحرر الوجیز در ابتدا با استناد به روایت عکرمه مراد از اهل بیت را زنان پیامبر می‌داند و در ادامه با اشاره به اقوال دیگر، علاوه بر زنان، خمره طیبه و بنی هاشم را هم وارد مصداق اهل بیت می‌کند (اندلسی، ۱۴۲۲: ۳۸۴/۴). بغدادی هم در ابتدا با استشهاد به روایت سعید بن جبیر از ابن عباس مراد از اهل بیت را به دلیل انصراف معنای «بیت» به بیت پیامبر، نساء النبی معرفی کرده و در ادامه با استناد به روایت عایشه، مصداق اهل بیت را خمره طیبه دانست. به نوعی ایشان جمع میان نساء النبی و پنج تن آل عبا را به عنوان مصداق اهل بیت می‌داند (بغدادی، ۱۴۱۵: ۳/۴۲۵). ثعلبی در تفسیر الکشف و البیان عن تفسیر القرآن در مورد مصداق اهل بیت سه قول را بیان می‌کند:

اول زنان پیامبر: مستند می‌کند به روایت عکرمه و سعید بن جبیر از ابن عباس

دوم خمره طیبه: مستند می‌کند به حدیث آل کسا

سوم بنی هاشم: استناد به روایت مربوط به حرام بودن صدقه به آل علی، آل عباس، آل عقیل و آل جعفر (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۳۶/۸). سیوطی در تفسیر در المنثور ابتدا با استناد به روایت ابن عباس که از چند طریق نقل شده است مصداق اهل بیت را فقط در زنان پیامبر دانسته است هرچند وی در ادامه به روایات مختص آل عبا نیز اشاره می‌کند (سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۹۸/۵). ثعلبی در تفسیر جواهر الحسان طبق نظر جمهور، مصداق اهل بیت را پنج تن آل عبا می‌داند و در ادامه با استناد به روایت ابن عباس همسران پیامبر را به خاطر خطاب آیه به زنان پیامبر، داخل در مصداق اهل بیت می‌کند (ثعلبی، ۱۴۱۸: ۴/۳۴۶). نیشابوری در تفسیر

غرائب القرآن و رغائب الفرقان، مصادیق اهل بیت را با توجه به تفسیر آیه مباهله به پیامبر، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام اختصاص می‌دهد و علی را از باب معاشرتش با حضرت فاطمه و ملازمتش با پیامبر به آن‌ها اضافه می‌کند و حتی نسبت به آن ادعای اجماع می‌کند و در ادامه دخول زنان پیامبر را از باب ظن مطرح می‌کند (نیشابوری، ۱۴۱۶: ۵/ ۴۶۰). بیضاوی معتقد است که اهل بیت را با توجه به سیاق آیه و أدله ابن کثیر مبنی برشان نزول آیه می‌توان به زنان پیامبر اختصاص داد و خمسه آل عبا را با توجه به روایات منقول داخل نمود و علت ضمیر مذکر در «عنکم» و «یطهرکم» را از باب تغلیب مذکر بر مؤنث دانسته است (طنطاوی، بی تا: ۲۰۸/ ۱۱).

الف) دلیل روایی

مهم‌ترین دلیل مفسران اهل سنت روایت عکرمه و سعید بن جبیر از ابن عباس است که مصداق اهل بیت را تنها در زنان پیامبر می‌داند. محدثان اهل سنت می‌گویند: عکرمه در بازار راه می‌رفته و آیه «إِنَّمَا يَرِيْدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» را قرائت کرده می‌گفت: «لَيْسَ الَّذِي تَذْهَبُونَ إِلَيْهِ، إِنَّمَا هُوَ فِي أَزْوَاجِ النَّبِيِّ خَاصَّةً؛ ای مردم! منظور از اهل بیت در این آیه، فقط زنان پیغمبر است و پس (طبری، ۱۴۱۲: ۸/ ۲۲) از سعید بن جبیر نقل می‌کنند که در مورد نزول آیه تطهیر این چنین می‌گوید: «انْهَآ نَزَلَتْ فِي نِسَاءِ النَّبِيِّ؛ این آیه در شان همسران پیامبر نازل شده است» (السمعانی، ۱۴۱۸: ۴/ ۲۸۰).

ب) دلیل سیاق

دلیل دیگر مفسران اهل سنت، مسئله رعایت وحدت سیاق آیاتی است که آیه تطهیر را در بر گرفته‌اند. آن‌ها می‌گویند: آیه‌ای که شأن نزول آن در مورد زنان پیامبر است چطور ممکن است مصداق اهل بیت شامل حال آن‌ها نشود، در حالی که خانه عایشه و ام سلمه موطن وحی الهی است و وحی در منزل آن‌ها اتفاق افتاده است. پس اینان خاندان وحی و نبوت هستند. از این رو آنان با استناد سیاق آیات، همسران پیامبر را نیز داخل در اهل بیت می‌کنند و تطهیر از رجس و

صاحب تفسیر شواهد التنزیل لقواعد التفضیل می‌باشد. وی در مورد روایات وارد شده پیرامون مصادیق اهل بیت در مورد خمسه طیبه، ادعای تواتر نموده است و برای اثبات مدعای خود احادیث مربوط به کسا را با طرق مختلف نقل می‌کند وی در برخی از روایات، "واثله بن أسقع" و "ام سلمه" را از جمله کسانی می‌داند که تحت کسا بودند (حسکانی، ۱۳۹۳: ۲/۲۳). ابی بکر محمد بن عبدالله معروف به ابن العربی فقیه مالکی و محدث نامدار اندلس نیز با استناد به روایت "ام سلمه" و "انس بن مالک" قائل است که مصداق اهل بیت خمسه آل عبا هستند (ابن العربی، بی‌تا: ۳/۱۵۳). طبری مفسر بزرگ اهل سنت در جامع البیان فی تفسیر القرآن که به أم التفاسیر مشهور است به پانزده روایت از طرق مختلف استناد می‌کند که منظور از اهل بیت در آیه تطهیر پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام است. هرچند ایشان در انتهای با استناد به روایت عکرمه و با عبارت «قال الآخرون» زنان پیامبر را نیز از مصادیق اهل بیت می‌داند و در مورد اقوال یاد شده نظری نمی‌دهد اما به کارگیری این عبارت بیانگر آن است که نظر طبری به خمسه طیبه نزدیک‌تر باشد (طبری، ۱۴۱۲: ۲۲/۷-۵). همچنین سورآبادی نیز در تفسیر خود بعد از ذکر آیه تطهیر، روایتی از ابوهریره نقل می‌کند که منظور از اهل بیت در آیه تطهیر، پیامبر اسلام، علی، فاطمه، حسن و حسین می‌باشند (نیشابوری، ۱۳۸۰: ۳/۱۹۶۸). بنابر مباحث ذکر شده به طور کلی أدله اهل سنت درباره مصداق اهل بیت را می‌توان در سه بخش روایی، سیاق و ادبی تبیین کرد. هرچند برخی از این دلایل به یک قسمت از نظریه آنها اشاره می‌کند ولی آنها با در نظر گرفتن مجموع أدله قائل به جمع بین خمسه آل عبا و زوجات النبی شدند.

۲. دیدگاه مفسران شیعه و أدله آنان

همه مفسران شیعه بالاجماع اتفاق دارند مصداق اهل بیت در آیه تطهیر خمسه طیبه یعنی پیامبر، علی، فاطمه، و حسنین^۱ می‌باشند و بر ادعای خود دلایل روایی، متنی و محتوایی ذکر نموده‌اند.

۱. دلیل روایی

مفسران شیعه قائلند، این فراز از آیه با صدر و ذیل آن در شان نزول متفاوت است به گونه‌ای که شروع آیه مربوط به زنان پیغمبر و بعد از آن، آیه تطهیر وارد شد و سپس آیه مجدد از زنان پیامبر را مورد خطاب قرار داد. آنان برای اثبات مدعای خود روایات فراوانی از طرق مختلف نقل می‌کنند که بیشتر آنها در منابع اهل تسنن موجود است (فراز کوفی، ۱۴۱۰: ۳۳۲؛ قمی، ۱۳۶۷: ۱۹۳/۲؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۳۷۴/۱۰؛ کرمی حویزی، ۱۴۰۲: ۲۹۴/۶؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ۲۸۴/۷؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۲۷۰/۴؛ ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸: ۴۱۷/۱۵؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۳۷۱/۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۵۹/۸). تعداد این روایات را بیش از هفتاد حدیث ذکر می‌کنند که اهل تسنن از طریق امّ سلمه، عایشه، ابی سعید خدری، سعد، واثله بن الاسقع، ابوالحمراء، ابن عباس، ثوبان غلام آزاد شده رسول خدا، عبدالله بن جعفر، امام علی و امام حسن که تقریباً چهل طریق است روایت کرده‌اند. و شیعه آن را از حضرت علی، امام سجاد، امام باقر، امام صادق و امام رضا و از امّ سلمه، ابوذر، ابولیلی، ابوالاسود دؤلی، عمرو بن میمون اودی و سعدبن ابی وقاص، با بیش از سی طریق نقل کرده‌اند روایت می‌کنند (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷: ۳۱۱/۱۶؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۴۴۴/۱۰).

طبق روایت وارده در منابع تفسیری و روایی فریقین، این آیه در خانه امّ سلمه همسر پیامبر، نازل شده است و هنگام نزول آن علاوه بر پیامبر اکرم، علی، فاطمه، حسن و حسین نیز حاضر بوده‌اند. در این هنگام پیامبر، پارچه‌ای خبیری (کسا) را که بر آن نشسته بود، بر روی خود، علی، فاطمه و حسین کشید و دست‌ها را به سوی آسمان بالا برد و گفت: «خدایا! اهل بیت من این چهار نفرند، اینان را از هر پلیدی پاک گردان». امّ سلمه از پیامبر پرسید که آیا او در شمار اهل بیت مذکور در این آیه قرار دارد، پاسخ پیامبر این بود که تو از همسران رسول خدایی و تو بر راه خیر هستی (واحدی، ۱۴۱۱: ۱۸۸). و حتی پیامبر برای رفع هرگونه شک و شبهه درباره مصداق اهل بیت، این جریان را به صورت عملی به اجرا گذاشتند. پیامبر به مدت شش ماه و طبق برخی نقل‌ها نه ماه هنگامی که برای نماز از خانه خویش بیرون می‌رفتند به در خانه

فاطمه می آمدند و می گفتند: «الصلاة، إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يَطَهِّرَكُم تَطْهِيراً» (طبری، ۱۴۱۲: ۵/۲۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۵/۹۹؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۳/۳۲۴). همچنین پیامبر در یک روایتی مصداق اهل بیت را به صورت عینی بیان می کنند و می فرمایند: این آیه (تطهیر) درباره پنج نفر: من و علی و حسن و حسین و فاطمه نازل شده است (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳۶۸/۶؛ طبری، ۱۴۱۲: ۵/۲۲؛ حسکانی، ۱۳۹۳: ۲/۱۳۶؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۸/۴۲؛ نیشابوری، ۱۳۴۲: ۲/۴۱۶). از طرفی اهل بیت نیز این آیه را فضیلتی برای خودشان می دانستند خطبه امام حسن بعد از شهادت امیرالمؤمنین که فرمودند: «ای اهل عراق، درباره ما تقوا پیشه کنید که ما امراء، مهمان سرزمین شما و اهل بیت کسی هستیم که خداوند درشان ما فرمود: «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ...» (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۹/۳۱۳۲؛ حسکانی، ۱۳۹۳: ۲/۳۱؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳/۴۹۵؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۴/۳۴۷).

۲. دلیل عدم سیاق

یکی دیگر از دلایل مفسران شیعه در تخصیص مصداق اهل بیت به خمه آل عبا، نبود وحدت سیاقی بین آیه تطهیر و آیات پیش و پس آن است. زیرا اولاً میان این آیه و آیات قبل و بعد، هیچ گونه پیوستگی بین شان برقرار نیست. دوم این که لحن آیه تطهیر مدح و تمجید اهل بیت است، درحالی که لحن آیات قبل و بعد که اختصاص به زنان پیامبر دارد، توأم با توبیخ و سرزنش است. سوم این از عادت فصحا است که در کلام خود از یک خطاب به خطاب دیگر روند و دوباره به آن خطاب اولی برگردند، قرآن کریم مملو از این موارد است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸/۵۶۰).

همچنین برخی از مفسران شیعی می گویند: این آیه به صورت جداگانه و مستقل در اوایل هجرت نازل شده است و پیامبر آن را بر آن عده ای از اهل بیت که موجود بودند منطبق می کردند. سپس که حسنین به دنیا آمدند، آنان را زیر پارچه (کسا) جمع می کرد و این آیه را می خواندند. ظاهراً این کار پیامبر بارها تکرار شده است (عاملی، ۱۳۷۹: ۷۴).

۳. دلیل ادبی

مفسران شیعه با واکاوی مفاهیم و کلمات به کار رفته در آیه و بررسی ادبی آنها، به انحصار مصداق اهل بیت در افراد خاص استدلال کردند. آنها ابتدا با بررسی لغوی و اصطلاحی مفهوم اهل بیت دریافتند که مصداق این واژه نمی تواند شامل حال زنان پیامبر و بنی هاشم (آل علی، آل عباس، آل عقیل و آل جعفر) باشد، بلکه مراد از اهل بیت منحصر در پنج تن آل عبا است. چرا که «اهل بیت» مرکب از دو کلمه «أهل» و «بیت» است و واژه «أهل» در لغت به معنای شایسته و سزاوار معنا شده است. چنانچه این واژه به چیزی یا شخصی اضافه شود، معنای دیگری به خود می گیرد. از این رو با اضافه شدن «أهل» به «بیت» به ساکنان خانه، خویشان و کسانی که پیوند نسبی دارند معنا می شود (فراهدی، ۱۴۲۴: ۱/ ۹۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱/ ۲۹). در این صورت اهل بیت شامل زن، فرزند و هر کسی که ساکن خانه هستند می شود. اما اصطلاح اهل بیت در مورد پیامبر علاوه بر معنای لغوی کاربرد دیگری نیز دارد. از آنجایی که بیت آن حضرت محل نزول وحی و بیت نبوت می باشد، در اینجا نمی توان فقط معنای لغوی را لحاظ کرد، بلکه منظور از اهل بیت افرادی هستند که از نظر علمی و عملی دارای مراتبی هستند که شایسته بیت آن حضرت می باشند. همچنین در نگاه مفسران شیعی واژه «إنما» در آیه «إِنَّمَا يَرِيْدُ اللّٰهُ» از أدات حصر می باشد؛ که اثبات مدخول و نفی غیر می کند. مثل: «إِنَّمَا زَيْدٌ فِي الدَّارِ» یعنی فقط زید در خانه است نه غیر او. یا مثل: «إِنَّمَا لَكَ عِنْدِي دَرَهْمٌ» یعنی برای تو نزد من فقط یک درهم است نه بیشتر و نه کمتر (طیب، ۱۳۷۸: ۱۰/ ۵۰۱؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹: ۱/ ۴۴۹؛ طوسی، بی تا: ۸/ ۳۰۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۸/ ۵۶۰).

اما آن چه که در آیه محصور شده است دو چیز می باشد:

الف) انحصار اراده و خواست خدا دور کردن پلیدی و تطهیر اهل بیت است.

ب) انحصار این عصمت و دوری از پلیدی در اهل بیت (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶/ ۳۱۰). از این رو اراده خداوند در اینجا باید اراده تکوینی باشد زیرا اراده تشریعی با وجود انحصار در

اهل بیت معنایی ندارد چرا که اراده تشریعی در اذهاب رجس نسبت به همه انسان‌ها است و با اکرام و تعظیم اهل بیت منافات دارد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸/ ۵۶۰).

۴. اولویت و مفهوم موافقت

یکی از دلایلی که مفسران شیعه برای اثبات مدعای خود آورده‌اند، اولویت قطعی و مفهوم موافقت می‌باشد که در این جا بر عصمت اهل بیت دلالت دارد. توضیح مطلب این است که خداوند زنان پیامبر را امر و نهی می‌کند؛ چون کارهای خلاف آنان، آثار منفی در اهل بیت رسالت بر جای خواهد گذاشت. آنچه مهم است اهل بیت هستند و خداوند نمی‌خواهد که کوچک‌ترین پلیدی به آنان برسد، نه زنان پیامبر؛ اگرچه این پلیدی از کسانی سرزند که با آن خانواده نسبت دارند. این امر شباهت دارد به مردی که دارای عزت و احترام در میان مردم و جامعه است و برای تثبیت احترام وی به فرزند یا بستگان او که مرتکب کار ناشایستی می‌شوند تذکر داده می‌شود که از آن کار دست بردارند تا به شهرت و آوازه آن مرد لطمه‌ای وارد نشود. در اینجا آن فرزند یا بستگان آن مرد در دایره اهتمام نیستند چرا که اگر آنان، فرزند یا بستگان آن شخص نبودند به آبرو و شخصیت وی متعرض نمی‌شدند هیچ‌گونه انگیزه‌ای برای امر و یا نهی آنان نبود (ر.ک: عاملی، ۱۳۷۹: ۴۵).

نقد و بررسی دیدگاه فریقین

بررسی روایی

مفسران شیعه برای اثبات مدعای خود به حدیث معروف کسا استناد کرده‌اند. محدثان فریقین آنقدر این حدیث را در کتاب‌های معتبر خود نقل کرده‌اند که می‌توان ادعای تواتر کرد (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹: ۳۸/۱).

طبری در کتاب دلائل الامامة می‌گوید: «مسلمانان اتفاق نظر دارند که همزمان با نزول آیه تطهیر پیامبر؛ علی، فاطمه، حسن و حسین را فراخواند و با کسا آنان را پوشاند و چنین دعا

کرد: «اللهم هؤلاء أهلي فأذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا؛ خدایا اینان اهل بیت من هستند از آنها پلیدی را دور کن و آنها را پاک گردان» (طبری، ۱۳۸۳: ۲۱). بنابراین با وجود این همه روایات با طرق مختلف شیعه و اهل سنت نمی‌توان ذره‌ای خدشه به سندیت آن وارد کرد. اما در مقابل اکثر مفسران اهل تسنن برای اثبات مدّعی خود به روایت عکرمه از ابن عباس استناد کرده‌اند و برخی دیگر از مفسران این روایت را از طریق سعید بن جبیر هم نقل کرده‌اند؛ ولی با این وجود، روایت یاد شده از لحاظ سند مورد نقد و بررسی است.

۱. نقد سندی

اول: در سلسله سند روایت عکرمه، ابن حمید از یحیی بن واضح، او از اصبع و او از علقمه و او از عکرمه این حدیث را روایت کرده‌اند در حالی که در منابع رجالی اهل سنت "ابن حمید" فردی ضعیف خوانده شده است (ذهبی، ۱۴۱۸: ۱۶۶/۲؛ ابن حجر عسقلانی، بی‌تا: ۶۹/۲).

دوم: اهل سنت در کتاب‌های رجالی و تراجم خود، عکرمه را فردی کذاب، کم عقل و از خوارج معرفی کرده‌اند. هرچند این نگاه از منظر برخی از محدثان شیعه رد شده است ولی همین امر در عدم پذیرش ادعای اهل تسنن بر اختصاص آیه تطهیر به زنان پیامبر کفایت می‌کند. ما در اینجا برای تبیین موضوع، شخصیت عکرمه را در کتب اهل تسنن مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف) کذاب بودن عکرمه: ابن حجر عسقلانی و ذهبی در مورد وی می‌گویند: جریر بن عبد الحمید از یزید بن ابی زیاد نقل می‌کند که روزی به دیدار علی بن عبدالله بن عباس رفتیم و عکرمه را دیدم که بر درب نخلستان بسته شده بود، پرسیدم: چرا عکرمه را بسته‌ای؟ گفت: او بر پدرم دروغ می‌بندد (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴: ۲۳۸/۷؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ۲۳/۵). عکرمه در نقل روایت آنقدر بر ابن عباس دروغ بست که به خاطر شهرتش در دروغگویی ضرب المثل شده بود؛ قضیه دروغ بستن عکرمه بر ابن عباس بین خواص مشهور بود تا جایی که ضرب المثل شده بود که اینک یحیی بن بکاء می‌گوید: از ابن عمر شنیدم که به نافع می‌گفت: از

خدا بترس و بر من دروغ نبند همان گونه که عکرمه بر ابن عباس دروغ می‌بست (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴: ۲۳/۷). سعید بن مسیب از فقهای مشهور اهل سنت است که به غلامش می‌گوید: «ای مرد مثل عکرمه که بر ابن عباس دروغ می‌بست، تو بر من دروغ نبند» (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴: ۲۳۷/۷؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ۲۳/۵). «مزی» در تهذیب الکمال به صراحت اعلام می‌کند: «قاسم به عثمان بن مرة گفت: ای برادر! عکرمه انسان دروغگویی است. صبح یک حدیثی را نقل می‌کند و غروب از حدیث خود بر می‌گردد» (مزی، ۱۴۰۶: ۲۰/۲۸۶).

ب) خارجی بودن عکرمه: ذهبی هم درباره عکرمه می‌گوید: «گفته شده که عکرمه بر رأی و نظر خوارج بوده است به همین خاطر امام مالک و مسلم از او روایتی نقل نکرده‌اند» (ذهبی، ۱۳۷۴: ۱/۹۵).

ج) کم عقل بودن عکرمه: ابن حجر عسقلانی و ذهبی از ابی‌الأسود نقل می‌کنند که عکرمه، فردی کم عقل بود (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴: ۲۳۷/۷؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ۲۷/۵). با وجود این اشکالات که بزرگان اهل سنت از عکرمه دارند نمی‌توان به روایت عکرمه در مورد اختصاص آیه به نساء النبی می‌توان استشهاد کرد. بنا براین روایت او بی‌ارزش و اعتبار است.

۲. نقد محتوایی

این حدیث نمی‌تواند درست باشد چون تعداد احادیثی که اهل بیت را به خمسه آل عبا تفسیر کردند، آنقدر زیاد است که اگر نگوییم به حد تواتر رسیده لاقلاً می‌توان گفت این احادیث مستفیض هستند با توجه به این مطلب، روایات که بیان شد در در کتب فریقین بر خبر واحد مقدم می‌شوند و روایت عکرمه و سعید بن جبیر را تحت الشعاع خودش قرار می‌دهد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶/۳۱۱).

۳. بررسی سیاق

قرینه وحدت و عدم وحدت سیاق از جمله أدله‌ای است که فریقین برای اثبات مدعای خود

بدان استناد کردند. سیاق یکی از قرائن لفظی و متصل به شمار می‌رود. این قرینه در کلامی که از چند جمله تشکیل شده باشد زمانی نقش آفرینی می‌کند که بین جملات از لحاظ ظاهری پیوستگی و همچنین از نظر موضوع نیز بین آنها اتحادی برقرار باشد. اما با بررسی صورت گرفته در آیات ۲۸ تا ۳۴ سوره احزاب در می‌یابیم که قبل و بعد آیه تطهیر مربوط به همسران پیامبر است که با لحن سرزنش و توبیخ همراه است ولی لحن در آیه تطهیر به مدح و تمجید افرادی که تحت عنوان اهل بیت هستند می‌پردازد. و این قول به دیدگاه شیعه نزدیک‌تر است.

۴. بررسی ادبی

فریقین با استناد به تغییر رویکرد ضمائر از مونث به مذکر و بررسی ادبی و واژگانی الفاظی همچون "اهل بیت" و "انما" بر مدعای خود استناد کردند. در این میان مفسران اهل سنت ابتدا اهل بیت را به همه کسانی که نوعی علاقه و رابطه خویشاوندی و ناگسستی داشته باشند معنا کردند و با این معنا زنان پیامبر را نیز از مصداق اهل بیت در آیه تطهیر دانستند در حالی که اهل بیت در مورد پیامبر و بیت آن حضرت که محل نزول وحی و بیت نبوت می‌باشد نمی‌تواند معنای عرفی داشته باشد. بلکه منظور از اهل بیت طبق گفته مفسران شیعه، افرادی هستند که از لحاظ علمی و عملی دارای درجاتی هستند که شایسته آن مقام شدند و تعیین حد و حدود آن به دست شارع انجام می‌گیرد. بنابراین برخی از افرادی که جزو ساکنان خانه و خویشاوندانند همچون فرزندان نوح، از دایره اهل بیت خارج می‌شوند «... قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ...» (هود: ۴۶) و در مقابل افرادی همچون سلمان فارسی به خاطر کسب مقامات علمی و عملی به جایی رسیده‌اند که پیامبر در مورد وی می‌فرماید: «سَلَمَانٌ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/۴۲۷). از طرفی هر وقت واژه اهل بیت بر لسان پیامبر همچون حدیث ثقلین، حدیث سفینه، داستان مباحله و... جاری می‌شود، افراد خاصی که در بالاترین درجه انتساب به بیت نبوت هستند به ذهن انسان متبادر می‌شود. و نیز مفسران اهل سنت برای توجیه تغییر ضمائر به کار رفته در آیه تطهیر به مسأله تغلیب ضمیر مذکر بر مونث استناد کردند تا

بدینوسیله حکم اذهاب رجس و تطهیر را هم شامل زنان پیامبر کنند. در حالی که این مسأله باعث می‌شود احکام به کار رفته در آیات ۲۸ تا ۳۴ سوره احزاب که همگی با ضمائر مؤنث به کار رفته مانند نشستن در خانه، عدم تبرج، اطاعت کردن و... شامل حال مصادیق اهل بیت در آیه تطهیر هم شود که این از محالات است. همچنین یکی از مواردی که می‌تواند مصداق اهل بیت را در خمسه آل عبا منحصر کرد به کارگیری لفظ "إنما" در آغاز آیه تطهیر می‌باشد. مفسران فریقین واژه «"إنما" برای حصر به کار رفته است و نتیجه حصر، عصمت اهل بیت در آیه است. چرا که روایت أم سلمه و عایشه در مورد حدیث کسا بیان‌کننده آن است که عصمت، برگرفته از حصر در إرادة تکوینی خدا به اهل بیت است و آن ویژگی افرادی است که عمل به احکام و دوری از گناهان سرلوحه زندگی آنان می‌باشد؛ نه افرادی که با انجام کارهای ناشایست پایه‌های عصمت را در هم کوبیدند و بر خلاف نص صریح قرآن عمل کردند. چنان‌که در زمان خلافت امام علی عایشه با عنوان خون‌خواهی عثمان به همراه برخی از خواص بر علیه امام علی خروج کردند. ثعلبی به اسناد خود از مجمع بن تیمی روایت کرده که روزی با مادرم نزد عایشه رفتیم؛ مادرم به او گفت: دیدی که در روز جمل خروج کردی و از امر الهی که فرموده «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» عدول نمودی عایشه گفت: از قضا و قدر حق تعالی بود. سپس درباره علی از او پرسید او گفت: در مورد محبوب‌ترین مردم نزد رسول خدا سؤال کرد. به خدا سوگند من دیدم پیغمبر علی و فاطمه و حسن و حسین را در زیر جامه خود جمع کرد و آن جامه را بر سر ایشان کشید و فرمود: «بار خدایا این‌ها اهل بیت و خویشان نزدیک من اند پس پلیدی را از ایشان دور کن و ایشان را پاک و پاکیزه گردان از شوب معصیت» بعد از آن عایشه گفت: من گفتم: «یا رسول الله انا من اهلک» فرمود: «تنحی فانک الی خیر» دور شو که تو بر صفت خیری و نیکوکرداری و اهل بیت من نیستی این‌ها اهل بیت من هستند (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۸/ ۴۳؛ حسکانی، ۱۳۹۳: ۲/ ۶۲؛ بروجردی، ۱۳۶۶: ۵/ ۳۵۲). بنابراین، چطور می‌توان چنین فردی که بر علیه خلیفه مسلمین قیام کرد را مشمول حکم و اراده الهی در تطهیر بدانیم؟!

نتیجه

با توجه به اهمیت این فراز از آیه و نقش محوری آن در تبیین و اثبات مباحث معرفتی در حوزه اعتقادات شیعی یعنی «عصمت» اهل بیت بررسی‌های صورت گرفته در مورد این واژه با رویکرد تفسیری از دیدگاه فریقین در سه محور مورد بررسی قرار گرفت که نتایج ذیل را در بر داشت:

اول دلیل روایی: بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که روایت عکرمه که مفسران اهل سنت از آن برای مدعای خود بدان استناد کردند، به خاطر حضور افرادی چون "ابن حمید" و "عکرمه" از لحاظ سندی مورد اشکال است؛ چرا که در منابع رجالی اهل تسنن این افراد مورد تضعیف قرار گرفته‌اند و حتی عکرمه را فردی کذاب، کم عقل و از خوارج معرفی نموده‌اند.

دیگر اینکه تعداد احادیثی که اهل بیت را به خمسه آل عبا تفسیر کردند، آنقدر زیاد است که برخی ادعای تواتر کرده‌اند. از این رو روایت عکرمه و حتی روایت مروی از سعید بن جبیر که خبر واحد است آن اخبار متواتر بر خبر واحد مقدم است و آن را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

دوم دلیل سیاق: قرینه سیاق که یکی دیگر از دلایل مفسران اهل سنت بود زمانی کاربرد دارد که، بین جملات از لحاظ ظاهری پیوستگی، و از نظر موضوع وحدت برقرار باشد؛ در حالی که آیات قبل و بعد آیه تطهیر با سرزنش و توییح همراه است ولی در آیه تطهیر به مدح و تمجید افرادی که تحت عنوان اهل بیت هستند می‌پردازد.

سوم دلیل ادبی: طبق نظر مفسران اهل سنت مفهوم "اهل بیت" در مورد پیامبر و بیت آن حضرت که محل نزول وحی و بیت نبوت می‌باشد سازگاری ندارد؛ بلکه منظور از اهل بیت افرادی هستند که از لحاظ علمی و عملی دارای درجاتی هستند که شایسته آن مقام شدند و تعیین حد و حدود آن به دست شارع انجام می‌گیرد. از طرفی آنچه که از مفهوم اهل بیت بر لسان پیامبر به ذهن انسان متبادر می‌شود، افراد خاصی هستند که در بالاترین درجه انتساب به بیت نبوت می‌باشند. همچنین مسأله تغلیب ضمیر مذکر بر مؤنث در آیه تطهیر منجر می‌شود تا احکام به کار رفته در آیات ۲۸ تا ۳۴ سوره احزاب که همگی با ضمائر مؤنث به

کار رفته است را بر مصادیق اهل بیت در آیه تطهیر هم منطبق کرد که این از محالات است. از طرفی واژه "إنّما" در آیه تطهیر برای حصر به کار رفته است و نتیجه حصر، عصمت اهل بیت را به دنبال دارد. افراد خاص می‌توانند به إرادة تکوینی خدا، عمل به احکام و دوری از گناهان را سرلوحه زندگی خود قرار دهند.



کتابنامه

-
- قرآن کریم.
- آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: اسعد محمد الطیب، عربستان سعودی، مکتبه نزار مصطفى الباز، ۱۴۱۹ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی، الأموال، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶.
- _____، علل الشرائع، قم، انتشارات داورى، ۱۳۸۵.
- _____، عیون اخبار الرضا، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۳.
- _____، کتاب الخصال، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق: عبدالرزاق المهدی، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۲۲ق.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، تقریب التهذیب، تحقیق: ایمن عرفه، قاهره، مکتبه التوفیقیه، بی تا.
- _____، تهذیب التهذیب، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۴ق.
- ابن عاشور، محمد طاهر، تفسیر التحریر و التنویر، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.
- ابن العربی، محمد بن عبدالله بن ابوبکر، أحکام القرآن، بیروت، دارالجمیل، بی تا.
- ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، تحقیق: عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: محمد حسین شمس الدین، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی،

۱۴۰۸ق.

ابوحیان، محمد بن یوسف، **البحر المحيط فی التفسیر**، تحقیق: جمیل، صدقی محمد، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۰ق.

بحرانی، هاشم بن سلیمان، **البرهان فی تفسیر القرآن**، تحقیق: بنیاد بعثت، واحد تحقیقات اسلامی، قم، مؤسسه البعثة، قسم الدراسات الإسلامية، ۱۴۱۵ق.

بروجردی، سید محمد ابراهیم، **تفسیر جامع**، تهران، صدرا، ۱۳۶۶.

بغدادی، علاء الدین علی بن محمد، **لباب التأویل فی معانی التنزیل**، تصحیح: محمد علی شاهین، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.

بیضاوی، عبدالله بن عمر، **أنوار التنزیل و أسرار التأویل**، تحقیق: محمد عبدالرحمن المرعشلی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.

بیهقی، احمد بن حسین، **السنن الکبری**، هند، بی نا، ۱۳۴۴ق.

ترمذی، محمد بن عیسی، **سنن الترمذی**، تحقیق و تصحیح: عبدالرحمن محمد عثمان، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۳ق.

ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، **جواهر الحسان فی تفسیر القرآن**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.

ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، **الکشف و البیان عن تفسیر القرآن**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.

ثقفی تهرانی، محمد، **تفسیر روان جاوید**، تهران، انتشارات برهان، ۱۳۹۸ق.

حر عاملی، محمد بن حسن، **وسایل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریعه**، تهران، بی نا، ۱۳۸۵ق.
حسکانی، عیبدالله بن احمد، **شواهد التنزیل لقواعد التفضیل**، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۹۳ق.

حسینی استرآبادی، سید شرف الدین علی، **تأویل الآیات الظاهره**، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۹ق.

حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، **تفسیر اثنا عشری**، تهران، انتشارات میقات، ۱۳۶۳.

درویش، محیی الدین، **اعراب القرآن و بیانه**، سوریه، دار الإرشاد، ۱۴۱۵ق.

بررسی تطبیقی مصداق «اهل بیت» در آیه تطهیر از منظر مفسران اهل سنت و تشیع □ ۱۶۷

- دعاس، حمیدان و قاسم، اعراب القرآن، دمشق، دارالمنیر و دار الفارابی، ۱۴۲۵ق.
- دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب الى الصواب المنجی من عمل به من الیم العقاب، قم، الشریف الرضی، ۱۳۷۱.
- ذهبی، شمس‌الدین، تذکرة الحفاظ، تحقیق: عبدالرحمن بن یحیی المعلمی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۳۷۴ق.
- _____، سیر أعلام النبلاء، تحقیق، إشراف و تخريج: شعيب الأرناؤوط، تحقیق: حسين الأسد، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ق.
- _____، الکاشف فی معرفة من له رواية فی الكتب الستة، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۸ق.
- رشیدالدین میبدی، احمد بن ابی سعد، کشف الأسرار و عدة الأبرار، تحقیق: علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.
- السمعانی، منصور بن محمد، تفسیر السمعی، تحقیق: یاسر بن إبراهیم و غنیم بن عباس بن غنیم، الرياض، دارالوطن، ۱۴۱۸ق.
- سیوطی، جلال‌الدین و سیوطی، محلی، تفسیر الجلالین، بیروت، مؤسسه النور للمطبوعات، ۱۴۱۶ق.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- شوشتری، نورالله بن شریف‌الدین، احقاق الحق و ازهاق الباطل، با تعلیقات شهاب‌الدین نجفی مرعشی، قم، چاپ محمود مرعشی، ۱۳۷۷.
- صافی، محمود عبدالرحیم، الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانه، دمشق، دار الرشید مؤسسة الايمان، ۱۴۱۸ق.
- طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعہ مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، تحقیق: محمدباقر خراسان، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.

- طبری، محمد بن جریر بن یزید، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.
- طبری، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامة، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیة مؤسسة البعثة، قم، مؤسسة البعثة، ۱۳۸۳ق.
- طنطاوی، سید محمد، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، قاهره، نهضة مصر، ۱۹۹۷.
- طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴ق.
- _____ التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بیثا.
- طیب، سید عبدالحسین، تفسیر اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۸.
- عاملی، سید جعفر مرتضی، اهل بیت در آیه تطهیر، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
- عسکری، مرتضی، حدیث الکسا فی کتب مدرسة الخلفاء و حدیث الکسا فی مصادر مدرسة اهل البيت، تهران، ۱۴۰۲ق.
- فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی، ابوالقاسم، تفسیر فرات الکوفی، تحقیق: محمد کاظم محمودی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ق.
- فراهدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، تحقیق: عبدالحمید هندآوی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق.
- فیضی دکنی، ابوالفضل، سواطع الإلهام فی تفسیر القرآن، تحقیق: سید مرتضی آیت الله زاده شیرازی، قم، دار المنار، ۱۴۱۷ق.
- قاسمی، محمد جمال الدین، محاسن التأویل تفسیر القاسمی، تحقیق: محمد باسل عیون السود، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۸ق.
- قرشی، سید علی اکبر، تفسیر أحسن الحديث، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷.

بررسی تطبیقی مصداق «اهل بیت» در آیه تطهیر از منظر مفسران اهل سنت و تشیع □ ۱۶۹

قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، تحقیق: سید طیب موسوی جزایری، قم، دار الکتاب، ۱۳۶۷.
قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تحقیق: حسین درگاهی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.

کاشانی، ملا فتح الله، زبدة التفاسیر، تحقیق: بنیاد معارف اسلامی، قم، بنیاد معارف اسلامی، ۱۴۲۳ق.

_____، تفسیر منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، تهران، کتابفروشی محمدحسن علمی، ۱۳۳۶.

کرمی حویزی، محمد، التفسیر لکتاب الله المنیر، قم، چاپخانه علمیه، ۱۴۰۲ق.
کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح: دارالحدیث، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۹ق.
مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۱ق.

محمد بن مکرم، ابوالفضل جمال الدین، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
محمدی ری شهری، محمد، اهل بیت در قرآن و حدیث، مترجم: رضا شیخی و حمیدرضا آژیر، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۹.
مژی، جمال الدین یوسف، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، بیروت، چاپ بشار عواد معروف، ۱۴۰۶ق.

مصطفی، ابراهیم، عبدالقادر، حامد، حسن الزیّات، احمد و محمد علی النجار، المعجم الوسیط، تهران، مؤسسه الصادق للطباعة و النشر، ۱۴۲۶ق.
مکارم، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
میرزا خسروانی، علیرضا، تفسیر خسروی، تحقیق: محمدباقر بهبودی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۹۰ق.

نخجوانی، نعمت الله بن محمود، الفواتح الالیه و المفاتح الغیبه، مصر، دار رکابی للنشر، ۱۹۹۹.
نیشابوری، ابوبکر عتیق بن محمد هروی، تفسیر سورآبادی، تحقیق: علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، فرهنگ نشر نو، ۱۳۸۰.

نیشابوری، ابوعبدالله محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، هند، بی نا، ۱۳۴۲ق.

نیشابوری، نظام‌الدین حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، تحقیق: شیخ زکریا عمیرات، ۱۴۱۶ق.

واحدی، علی بن احمد، اسباب نزول القرآن، تحقیق: کمال بسیونی زغلول، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۱ق.

